

پرسمان حجاب

زهرا رضائیان*

مقدمه

به رغم پندار برخی ساده‌اندیشان، گرایش به لباس و پوشیدگی صرفاً عملی تفننی برخاسته از گزینه تنوع‌طلبی آدمی نیست؛ بلکه ریشه در حکمت‌ها و مصالح فردی، اجتماعی، خانوادگی، روحی و روانی و اعتقادی دارد. پوشش ظاهری زن مسلمان، بخشی از حقیقت باطنی و بیانگر اندیشه‌ها و نظام ارزش‌های درونی اوست. اکنون موج تخریب و هجمه همه‌جانبه مخالفان حجاب، در رویکردی جدید با شیوه شبهه‌افکنی و تفرقه‌افکنی وارد میدان شده است؛ زیرا حجاب و عفاف، از بزرگ‌ترین موانع غلبه دشمن بر کشور اسلامی‌مان است. این تبلیغات و شبهه‌افکنی‌های مغرضانه تا آنجا پیش رفته که گروهی برهنگی و بی‌بند و باری را برای یک زن ارزش و نشانه تمدن می‌دانند و حجاب و عفاف را نماد عقب‌ماندگی و ضد ارزش معرفی می‌کنند. پاسخ به این شبهات و عرضه حقیقت حجاب به همگان، به‌ویژه زنان و دختران جوان، گامی در مبارزه با دشمن در این عرصه است. در این مقاله برخی از شبهات مطرح شده در این زمینه، بیان و به آن‌ها پاسخ داده می‌شود.

شبهات مطرح درباره حجاب

۱. اجباری در دین نیست

یکی از مهم‌ترین شبهه‌هایی که درباره حجاب مطرح می‌شود، استناد به آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

الدین^۱ است. افرادی که به این آیه جهت نفی حجاب استناد می‌کنند، معنای آیه را به خوبی درک نکرده‌اند. «لا إِكْرَاهَ» در اصل پذیرش دین است، نه در پذیرش احکام آن. آنچه از معنای ظاهری آیه برداشت می‌شود، این است که در پذیرش اصل دین، هیچ اجباری نیست؛ یعنی نمی‌توان کسی را به پذیرش دینی اجبار کرد یا عقیده‌ای را از او سلب نمود.^۲ بنابراین «عقیده» قابل تحمیل نیست؛ ولی این محدوده غیر از محدوده احکام است. اسلام مانند همه نظام‌های فکری، دارای نظامی اجتماعی است که - همانند این نظام‌ها - اکراه و اجبار از ابزارهای پیش‌بینی شده آن است. همان‌گونه که هر نظامی در مقوله‌های اجتماعی و حقوقی‌اش دارای جبر قانونی است که بدون آن، جامعه قابل اداره و کنترل نیست؛ اسلام نیز دارای احکام و قوانینی برای اداره جامعه و هدایت مردمان به سعادت است و حجاب یکی از این احکام‌هاست: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»^۳ و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را آشکار نکنند». هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که پس از ورود به سازمانی، اجرای قوانین آن اختیاری باشد؛ زیرا موجب هرج و مرج می‌شود.^۴

۲. حجاب، مانع آزادی و فعالیت زنان

به دست نیاوردن موفقیت‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از حضور نداشتن در اجتماع به سبب داشتن حجاب، از دیگر شبهات مطرح شده است. این در حالی است که اسلام با پوشش خاص زن، ضمن صادر کردن جواز حضور وی در اجتماع، با دستوره‌های حکیمانه و راه‌گشا، سلامت حضورش را در جامعه تضمین کرده است. در حقیقت پوشش زن، توجه به ارزش و حرمت او و جلوگیری از تباه شدن این نیروی عظیم و بهره‌مندی از توانمندی‌هایش در جامعه است. این سبک پوشش،

۱. بقره: ۲۵۶.

۲. ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان؛ ج ۲، ص ۳۴۲.

۳. نور: ۳۱.

۴. ر.ک: محمد سبحانی نیا؛ انتخاب من: پرسش‌هایی درباره حجاب؛ ص ۱۴۱-۱۲۶.

مقابل بسیاری از فسادانگیزی‌ها و ناهنجاری‌های ناشی از اختلاط نامطلوب میان زن و مرد را گرفته است.^۱ افزون بر اینکه عفتی که با حجاب همراه باشد، امنیتی زیبا و پایدار هدیه می‌دهد.

رعایت آداب و دستورات دینی که سبب می‌شود زن یا مرد به گونه‌ای رفتار نکند که امنیت اخلاقی را از بین ببرد، نه به معنای زندانی شدن و نه مخالف آزادی‌های فردی است؛ بلکه به معنای پایداری سلامت و امنیت روانی فرد است. چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «صَيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَأَدْوَمُ لِحَمَالِهَا»^۲ پوشیدگی زن برای او بهتر است و زیبایی‌اش را پایدارتر می‌سازد».

بنابراین حجاب، شهوت‌ها و هوس‌های فرد را کنترل و با سلب آزادی حیوانی، نوعی مرزبندی ایجاد می‌کند تا زن و مرد در ورای مرزها و بی‌دغدغه بتوانند به کار و فعالیت خویش مشغول باشند. نبودن این مرز با وجود جاذبه‌ای که میان دو جنس مخالف وجود دارد، سبب کاهش فعالیت‌های مفید و بروز موفقیت و شکوفایی زن و مرد می‌شود. در واقع حجاب، دژ مستحکمی است که با محافظت از لطافت‌ها و زیبایی‌های زن، مانع دست‌اندازی و چشم‌چرانی مردان هوس‌باز می‌شود.^۳

۳. حجاب و عقب‌ماندگی

از نظر برخی مخالفان حجاب، امروزه با پیشرفت علمی بشر دیگر به حجاب نیازی نیست؛ زیرا حجاب مانع فعالیت زنان و مایه عقب‌افتادگی است، اما این سخنی کاملاً غلط و نادرست است. آمار بالای حضور زنان موفق در جامعه در موقعیت‌های مختلفی چون پزشکی، معلمی، استادی دانشگاه، وکالت، وزارت و ... بیانگر نبودن تضاد میان حجاب و موفقیت زنان است. آمار بالای زنان تازه‌مسلمان اروپایی نیز مؤید همین مسئله است.^۴ کلارا، زن تازه‌مسلمان اتریشی درباره حجاب می‌گوید:

۱. ر.ک: عباس رجیبی؛ حجاب و نقش آن در سلامت روان؛ ص ۱۲.

۲. علی بن محمد لیبی واسطی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۳۰۳.

۳. ر.ک: حمید کریمی؛ «بررسی مسأله حکمت پوشش»؛ فصلنامه علمی ترویجی معرفت؛ شماره ۱۱۸، مهر ۱۳۸۶، ص ۸۴-۶۹.

۴. ر.ک: خبرگزاری مهر؛ «انتخاب حجاب و پشت پا زدن ستارگان غربی به نگاه تجاری به زنان»؛ ۱۳۹۸/۰۴/۲۰.

«حجاب، بیان عشق به خداوند، احترام به قوانین الهی و احترام به زن بودن است». کاترین یکی دیگر از تازه مسلمانان اتریشی می‌گوید:

به لحاظ تاریخی، پوشش همواره نشانه آزادی و کرامت بوده است. بردگان برهنه بودند و هر چه لباس اشخاص پوشیده‌تر بود و پارچه بیشتری داشت، نشان‌دهنده ارزش بیشتری برای آنان بود. بنابراین عقیده به آزادی بیشتر با پوشش کمتر، کاملاً جدید است. کرامت چیزی است که پروردگار به انسان عطا می‌کند و یکی از راه‌های حفظ کرامت زن که خدا به زنان عطا کرده است، همین نوع پوشش زنان مسلمان است.^۱

هر چیزی که مربوط به گذشته و سنت باشد، همیشه بد نیست. گاه سنت‌های گذشته وسیله‌ای برای نشان دادن هویت ملت‌هاست؛ همان که بیگانگان می‌کوشند تا آن را نابود کنند. پیشرفت جامعه نیز هیچ ارتباطی با بی‌حجابی ندارد؛ چنانکه مسلمانان تمدنی با شکوه در اندلس به وجود آوردند.^۲ در واقع حجاب به عنوان نماد اعتقاد به خدا، عامل محرکی برای کسب مدارج مهم علمی و اجتماعی از سوی زنان برای بندگی بهتر و خدمت به خلق خداست.

۴. شخصی بودن حجاب

یکی از مسائل و شبهات مطرح شده درباره حجاب، شخصی بودن آن است. از نظر مخالفان، هر کسی می‌تواند درباره نوع پوشش، جنس و حتی رنگ آن بر اساس آنچه مایل است، اقدام کند؛ زیرا نتیجه عمل هر کسی به خودش بر می‌گردد. بنابراین دولت حق دخالت در این امر و وضع قانون درباره آن را ندارد.

در پاسخ باید گفت، حجاب امری اجتماعی است، نه شخصی؛ زیرا اثرات بدحجابی یا بی‌حجابی فقط گریبانگیر فرد نمی‌شود؛ بلکه پیامدهای روحی، روانی، جسمی، اخلاقی، فرهنگی و حتی سیاسی آن جامعه را نیز با خود درگیر می‌کند. در واقع انسان هنگام حضور در مناظر عمومی است که برخی از قسمت‌های بدن خود را

۱. ر.ک: پایگاه جامع ره‌یافته؛ «دلیل دو دختر تازه مسلمان و شیعه شده اتریشی برای محجبه بودن»؛ ۱۳۹۴/۰۳/۰۹.

<https://rahyafteha.ir/17234>

۲. ر.ک: امین کشوری؛ چرا حجاب؟؛ ص ۵۸.

می‌پوشاند و در خلوت چنین الزامی در خود نمی‌بیند. مؤمنان در آیات فراوانی مورد خطاب قرار گرفته و به امری مکلف شده‌اند که نه تنها جنبه شخصی ندارد؛ بلکه در صورت ارتکاب، دولت اسلامی می‌تواند آنان را مجازات کند؛ آیاتی همچون «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً»^۱ و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»^۲. دولت اسلامی می‌تواند رباخواران و حرام‌خواران، متخلفان از دستور پیامبر ﷺ و فرمان‌های حکومتی و نیز متخلفان از فرمان جهاد را مجازات کند؛ زیرا میان مخاطب قرار دادن مؤمنان و اختیاری بودن تکالیفی که بر عهده ایشان نهاده می‌شود، هیچ تلازمی وجود ندارد. رعایت حجاب یکی از همین امور است که در صورت تخلف از آن، دولت اسلامی می‌تواند متخلفان را مجازات کند.^۳

اگر شخصی بودن حجاب به معنای آزادی تکوینی مرد و زن در انتخاب پوشش و نوع لباس باشد، سخن درستی است؛ زیرا هر فردی اختیار تکوینی دارد که از میان نوشیدنی‌ها آب را انتخاب کند یا سم بنوشد، دوستی برای انس خود انتخاب کند یا تنها بماند و ... در حالی که اگر به این معنا باشد که قانون عرف یا قوانین کشورهای یا ادیان آسمانی، اجازه می‌دهد هر فرد با هر نوع پوششی در جامعه آشکار شود، نمی‌تواند معنای مقبولی داشته باشد؛ زیرا عرف و عقل هر جامعه‌ای، آزادی افراد را به قوانین خاصی محدود کرده تا از پایمال شدن حقوق و ارزش‌های دیگران جلوگیری کند. حضور با پوششی مخالف آنچه دین و قانون می‌گوید، تجاوز به حقوق دیگران است؛ از همین روست که پیامبر ﷺ مأمور است که به مردان و زنان مؤمن بگوید که در هنگام حضور در انظار عمومی، پوشش مناسبی داشته باشند که باعث هنجارشکنی در جامعه دینی نشود.^۴

۱. آل‌عمران: ۱۳۰: «ای اهل ایمان! ربا را که سودهای چند برابر است، نخورید».

۲. نساء: ۲۹: «ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به ناروا نخورید».

۳. ر.ک: سید جواد ورعی؛ «مبانی مسئولیت و اختیارات دولت اسلامی در زمینه حجاب بانوان»؛ فصلنامه علمی پژوهشی فقه و اصول؛ شماره اول سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۶۰ - ۱۴۳.

۴. نور: ۳۱.

۵. حجاب و پوشیدگی، موجب افزایش شهوت

مخالفان حجاب معتقدند پوشیدگی زن، از او موجودی ناشناخته و پنهان می‌سازد که سبب تحریک و حرص مردان برای آشکار شدن این راز می‌شود. انسان‌ها بر اساس اصل «الانسانُ حَرِيصٌ عَلَيَّ مَا مُنِعَ مِنْهُ»^۱ هر اندازه از مسأله‌ای باز داشته شوند، نسبت به آن حریص‌تر و کنجکاو‌تر می‌شوند. بنابراین باید مانند کشورهای غربی نقاب را برداشت و چشم‌ها را سیراب کرد تا پوشش زنان سبب تحریک مردان نشود.^۲

یکی از غرایز خدادادی در ساختمان وجودی انسان، غریزه جنسی است که نیرومندترین و ریشه‌دارترین غریزه آدمی است که در صورت کنترل آن، می‌تواند افزون بر تداوم و استمرار نسل بشر، موجبات امنیت روانی انسان‌ها را فراهم کند. نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های تعریف نشده و بی‌بندوبار، با افزایش هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی، تقاضای فرهنگی را به صورت یک عطش روحی و خواست سیری‌ناپذیر در می‌آورد. در واقع انسان به چیزی حریص می‌شود که هم از آن منع و هم به سوی آن تحریک شود؛ یعنی تمنای چیزی را در وجود شخص بیدار کنند و سپس آن را برایش ممنوع نمایند. در حالی که اگر امری اصلاً عرضه نشود یا کمتر عرضه شود، حرص و ولعی نیز وجود نخواهد داشت یا بسیار اندک خواهد بود.^۳ اسلام، برای استفاده درست از این غریزه حیاتی، مکانیسم‌های گوناگونی مطرح کرده است که دستور حجاب به زن و مرد و فرمان چشم‌پوشی، یکی از راهکارهای آن است. با این راهکار، میلی برانگیخته نمی‌شود و حرصی نیز پدید نمی‌آید.

خانمی که به تازگی حجاب را پوشش خود انتخاب کرده است، می‌گوید:

خانواده من از نظر اعتقادی، نه خیلی مذهبی هستند و نه خیلی آزاد. در کودکی حجاب را دوست داشتم، اما اوایل سن تکلیف به پیروی از هم‌سن و سالانم که بدون حجاب راحت‌تر بازی می‌کردند، من حجاب را کنار گذاشتم تا مانع بازی و

۱. سید نعمت‌الله جزایری؛ ریاض‌الابرار؛ ج ۲، ص ۶۷: «انسان نسبت به چیزی که از آن منع می‌شود، حرص می‌ورزد».

۲. مهدی مهریزی؛ آسیب‌شناسی حجاب؛ ص ۸۱.

۳. ر.ک: مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۹، ص ۴۶۱.

فعالیت‌م نشود. بزرگ‌تر که شدم، به حجاب بی تفاوت‌تر شدم؛ گویی کسی مرا مجبور کرده بود که همیشه به خودم برسیم. در فصل امتحانات، در مسیر کتابخانه با دو خانم محجبه دوست شدم. هر گاه با آن‌ها بودم، احساس می‌کردم نوع نگاه مردان به من بسیار آزاردهنده است. من از این نگاه‌های ناپاک بسیار در عذاب بودم تا اینکه تصمیم گرفتم، پوششم را عوض کنم و حجاب را انتخاب کردم.^۱

در جامعه‌ای که بخش عظیمی از آن جوانانی هستند که به دلیل شرایط سنی، تحریکات مختلف روانی ناشی از محصولات آلوده فرهنگی‌ای همچون برخی فیلم‌ها، رمان‌های مبتذل و وجود فضای غیر قابل کنترل مجازی، در معرض طغیان غرایز جنسی هستند و به سبب سخت شدن شرایط، ازدواج‌شان نیز به تأخیر افتاده است؛ چگونه آزادی پوشش زنان و نفی محدودیت در لباس، باعث شکل‌گیری عقده‌ها و حسرت‌های روحی و روانی مردان درباره مسائل جنسی نشود؟ امام صادق علیه السلام فرموده است: «النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامٍ إِيْلَيْسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً»^۲ نگاه ناپاک، تیری از تیرهای مسموم و آلوده شیطان است و چه بسیار نگاهی که باعث عقده و حسرت طولانی می‌شود.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند، دل کند یاد^۳
 اکنون جوامع غربی گرفتار معضلات و ناهنجاری‌های گوناگون اجتماعی مانند خودفروشی، فرزندان نامشروع، بیماری‌های واگیردار جنسی، همجنس‌بازی، ازدواج با حیوانات و ... شده و بیشتر از قبل در منجلاب فساد و تباهی غرق می‌شود.^۴

۶. کراهت لباس مشکی و مشکلات روانی ناشی از آن

برخی با استناد به کراهت رنگ سیاه در روایات، با حجاب و به‌ویژه چادر مخالفت می‌کنند و رنگ مشکی را تهدید برای سلامت جسمی و روانی زن می‌دانند. این در

۱. پرتال فرهنگی راسخون؛ «مستند از لاک جیغ تا خدا: خانم جیران مسلمی»؛ ۱۳۹۶/۱۱/۲۴.

<https://rasekhoon.net/media/show/1368512>

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۵، ص ۵۵۹.

۳. بابا طاهر همدانی؛ *دیوان کامل بابا طاهر*؛ ص ۳.

۴. ر.ک: امین کشوری؛ *حجاب چرا؟*؛ ص ۳۶ و ۳۷.

حالی است که بنا بر نظر کارشناسان، رنگ مشکی نه سبب افسردگی زن می‌شود و نه او را در معرض ابتلا به بیماری‌های استخوانی قرار می‌دهد.^۱

روایت‌های بیانگر کراهت پوشش سیاه، از نظر سندی ضعیف و غیر قابل استناد هستند. بالعکس روایات صحیح‌السندی وجود دارد که بیانگر استفاده از پوشش سیاه در جلباب زنان (یا همان چادر) است؛ چنانکه در روایتی آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكْرَهُ السَّوَادَ إِلَّا فِي ثَلَاثِ الْخُفِّ وَالْعِمَامَةِ وَالْكِسَاءِ»^۲ پیامبر ﷺ از پوشش سیاه کراهت داشتند، غیر از سه مورد: خُف (نوعی کفش چرمی نازک)، عمامه و کساء (مترادف جلباب، یعنی چادر زنان). فقهای اسلام نیز نه تنها به کراهت حجاب مشکی زنان فتوایی نداده‌اند؛ بلکه تصریح کرده‌اند که زنان در برخورد با نامحرم نباید از رنگ‌های مهیج و لباس شهرت و پوششی که موجب جلب توجه نامحرم‌ان شود، استفاده کنند.^۳ مفسران نیز در تفسیر آیه شریفه «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا»^۴ و شب را برای شما پوششی قرار دادیم، شب را همانند جلباب و چادر مشکی که تمام بدن و لباس‌های دیگر زن را در مواجهه با نامحرم می‌پوشاند و به او آرامش می‌دهد، دانسته‌اند.^۵

در روانشناسی رنگ‌ها، رنگ سیاه به معنای «نه» و رنگ سفید به معنای «بله» است.^۶ رنگ مشکی اثر تخفیف و کاهش تحریک‌های روحی و روانی را به دنبال دارد و رنگی صامت و غیر محرک است که عکس‌العمل حاد و مهمی در بیننده ایجاد نمی‌کند. از همین رو در مواجهه با جنس مخالف، استفاده از حجاب مشکی و به‌ویژه چادر مشکی، اثرات مطلوبی از نظر تخفیف حالات و امیال جنسی دارد.^۷

۱. ر.ک: حسین مهدی‌زاده؛ حجاب‌شناسی: چالش‌ها و کاوش‌های جدید؛ ص ۳۶ و ۳۷.

۲. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل‌الشیعه؛ ج ۴، ص ۳۸۳.

۳. امین کشوری؛ حجاب چرا؟!؛ ص ۸۲.

۴. نبأ: ۱۰.

۵. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲۰، ص ۱۶۲.

۶. ماکس لوشر؛ روانشناسی رنگ‌ها؛ ترجمه ویدا ابی‌زاده؛ ص ۹۷.

۷. ر.ک: سید مجتبی هاشمی رکاوندی؛ مقدمه‌ای بر روانشناسی زن (با نگرش علمی و اسلامی)؛ ص

۷. حجاب، تبعیض میان زن و مرد

برخی مخالفان حجاب با طرح این سؤال که چرا حجاب زن و مرد تفاوت دارد و چرا باید مقدار پوشش بدن زنان بیشتر از مردان باشد، آن را تبعیض ناعادلانه میان زن و مرد دانسته‌اند.

هدف از آفرینش زن و مرد رسیدن به تعالی، تکامل و والاترین درجات معنوی است و از این جهت فرقی میان زن و مرد وجود ندارد. آنچه آدمی را به سعادت واقعی‌اش می‌رساند، رعایت تقواست. اگر پوشش و رعایت حجاب با شرایط خاصی به زن اختصاص یافته است، از این روست که ملاک آن مخصوص زن است. زن، مظهر جمال و مرد، مظهر شیفگی است. بنابراین طبیعی است که به زن دستور داده شود خود را در معرض نمایش قرار ندهد. تمایل مرد به نگاه کردن، زن را به خودنمایی بیشتر تحریک می‌کند. از این روست که «تبرج» از مختصات زن است.^۱ در واقع احکام تشریحی اسلام، متناسب با ویژگی‌های تکوینی و به منظور تأمین مصالح و دفع مفاسدی است که افراد را تهدید می‌کند.

تفاوت زن و مرد در بسیاری از احکام تشریحی، از جمله حجاب نیز نشأت گرفته از تفاوت‌های تکوینی آنهاست. تحقیقات علمی در باب تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد، ثابت کرده است که مردان نسبت به محرک‌های چشمی حساس‌تر از زنانند و بر عکس، زنان در مقابل محرک‌های لمسی حساسیت بیشتری دارند.^۲ برای مثال مردان را به مراقبت و کنترل بیشتر چشم در مواجهه با نامحرم امر کرده است؛ چنانکه امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «خداوند نگاه کردن به موه‌های زنان از دواج کرده محجوبه و غیر آنان را حرام کرده است؛ زیرا نگاه شهوت‌انگیز مردان باعث تهییج جنسی، و تهییج جنسی باعث فساد می‌شود».^۳ از این سو نیز زنان را به دلیل لطافت و حساسیت بیشتر نسبت به محرک‌های لمسی، برای حفاظت خود از مفاسد ناشی از این ویژگی، به حجاب و پوشش بیشتر در مواجهه با مردان نامحرم امر کرده است.

۱. ر.ک: مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۹، ص ۴۷۸.

۲. غلامعلی حداد عادل؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی؛ ص ۶۳.

۳. محمد بن علی صدوق؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۲، ص ۹۷.

نتیجه گیری

حجاب، یکی از احکام مسلم اسلام است و زن و مرد به دلیل ساختار جسمی و روحی متفاوت و جایگاه‌های گوناگونی که دارند، در میزان پوشش و نگاه با یکدیگر متفاوت هستند. حکم یکسان در نگاه و پوشش برای زن و مرد، در واقع ظلم به آن‌هاست. بر اساس همین تفاوت است که اسلام، چهارچوب مشخصی برای حجاب زن در نظر گرفته تا هم زن و هم خانواده و اجتماع را از گزند آفات مصون بدارد و سلامت روحی و جسمی و امنیت روانی زن، خانواده و جامعه را تأمین کند.

فهرست منابع

کتاب

۱. حداد عادل غلامعلی؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی؛ چاپ ششم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴ ش.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ مصحح مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
۳. جزایری، سید نعمت‌الله بن عبدالله؛ ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار علیهم‌السلام؛ بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۷ ق.
۴. رجبی، عباس؛ حجاب و نقش آن در سلامت روان؛ چاپ اول قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۵ ش.
۵. سبحانی‌نیا، محمد؛ انتخاب من: پرسش‌هایی درباره حجاب؛ چاپ اول قم: انتشارات جمکران، ۱۳۹۸ ش.
۶. صدوق، محمد بن علی؛ عیون اخبار الرضا علیه‌السلام؛ مصحح مهدی لاجوردی؛ تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۸. کشوری، امین؛ حجاب چرا؟!؛ چاپ هفتم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۸ ش.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۱۰. لوشر، ماکس؛ روانشناسی رنگ‌ها؛ ترجمه ویدا ابی‌زاده؛ چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات درسا، ۱۳۸۳ش.
۱۱. لیثی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ؛ مصحح حسین حسینی بیرجندی؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۱۲. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ چاپ دوم، تهران: صدرا، ۱۳۷۹ش.
۱۳. مهدی‌زاده، حسین؛ حجاب‌شناسی: چالش‌ها و کاوش‌های جدید؛ چاپ دوم، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۸۲ش.
۱۴. مهریزی، مهدی؛ آسیب‌شناسی حجاب؛ چاپ اول تهران: جوانه رشد، ۱۳۷۹ش.
۱۵. هاشمی رکاوندی، سید مجتبی؛ مقدمه‌ای بر روانشناسی زن (با نگرش علمی و اسلامی)؛ چاپ سوم، قم: انتشارات شفق، ۱۳۷۸ش.
۱۶. همدانی، بابا طاهر؛ دیوان کامل بابا طاهر؛ چاپ دوم، تهران: مطبعه ارمغان، ۱۳۱۱ش.

مقالات

۱. کریمی، حمید؛ «بررسی مسأله حکمت پوشش»؛ فصلنامه علمی ترویجی معرفت؛ شماره ۱۱۸، مهر ۱۳۸۶، ص ۸۴-۶۹.
۲. ورعی، سید جواد؛ «مبانی مسئولیت و اختیارات دولت اسلامی در زمینه حجاب بانوان»؛ فصلنامه علمی پژوهشی فقه و اصول؛ شماره اول سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۶۰-۱۴۳.

سایت‌ها

۱. پایگاه جامع ره‌یافته؛ «دلیل دو دختر تازه مسلمان و شیعه شده اتریشی برای محجبه بودن»؛ ۱۳۹۴/۰۳/۰۹، کد خبر: ۱۷۲۳۴.
۲. پرتال فرهنگی راسخون؛ «مستند از لاک جیغ تا خدا: جیران مسلمی»؛ ۱۳۹۶/۱۱/۲۴؛ کد مطلب: ۱۳۶۸۵۱۲.
۳. خبرگزاری مهر؛ «انتخاب حجاب و پشت پا زدن ستارگان غربی به نگاه تجاری به زنان»؛ ۱۳۹۸/۰۴/۲۰، کد خبر: ۴۶۵۹۳۸۶.